



روزنامه نگاری (۱)

تکاورش جناب سید قاسم خان رشتیا

س کنجکاوی و کسب اطلاع از وقایع دور و پیش خود، از اول در نهاد انسان بودیمه گذاشته شده و بعد ها فکر نشر افکار و خیالات نازه در اثر تطورات معنوی او به آن علاوه گردیده است، چنانچه از قدیم الایام بشر به دانستن گزارشات اطراف و همچنین به تبلیغ نظریات خویش مایل بوده و برای این کار در هر زمان و هر مکانی که قادر دسترس او بود، بکار میبرد. گاهی بواسطه قصص و حکایات و سیاحت و مسافرتها و نطق و موعظت و زمانی ذریعه نشریات مختلفه، بهترین وسیله که برای اجرای این دو خواست بدست انسان افتاد هما نا پیدایش خط و کتابت بود بقسمیکه بلافاصله به قید کردن وقایع جهان و اطراف خود و نظریات خصوصی، روحی، علمی و نشر آنها پرداخت.

(۱) این اسم اگرچه در معنی اصلی مفهوم خاص دارد و نوشتن جرائد یومیه یعنی روزنامه جات را افاده میکند اما در اصطلاح امروز بمعنی مطلق فن صحافت یعنی اخبار نویسی استعمال میگردد و مقصود مانیز در اینجا از همین معنی اصطلاحی آنست.

برینوجه کتابهای مختلفه بوجود آمده تا در زمان همین وسیله مهمترین ذریعه
برای استطلاع از احوال عالم و عالمیان و نشر افکار و نظریات متنوعه
بشمار میرفت .

ولی چون رفتار تمدن روز بروز کسب سرعت میباید لازم است هر وقت
وسائل جدیدی برای این کار بدست آورده شود . مخصوصاً از زمانیکه مدنیت
داخل مرحله نازه گردیده و در سیر آن تمدنی بی سابقه پدید آمده حس
کنجکاوی انسان و اطلاع خواهی از واقعات دنیا (که نسبت به پیش خیلی
کسب وسعت نموده و در عین حال روابط بشریت را نیز ترقی بخشیده بود)
و همچنین نشر افکار و خیالات نازه (که یکی از اساس خود تغییر یافته بود)
قویتر شده در صدد یافتن وسیله جدیدی برای پیشبرد مقاصد خود افتاد ، و از
همینجاست که پنجمین سال پیش ازین در قریب پانزده « جرائد » و « جریده
نگاری » بوجود آمد .

بنابران میتوان گفت که روزنامه نگاری با آغاز تمدن کنونی (۱) یکجا
شروع شده و از آنوقت به بعد همیشه به تدریج و قطعاً در رفتار آن را تعقیب نموده است
بقسمیکه امروزه همانطوریکه مدنیت به اوج کمال خود رسیده و هر روز مظاهر
شکفت انگیزی را بنظر انسان ارائه میدهد ، فن صحافت و روزنامه نویسی (که یک
جزء بزرگ و در حقیقت آئینه آن است) نیز خیلی ترقی و کسب عمومیت نموده که
بی بردن به جزئیات آن شخص را دوچار حیرت زیادی میگرداند . مثلاً اگر ترقی
محیر العقول علم و فن از آنجمله خوارق هوا پیمائی و اکتشافات جوی و شاهکارهای
مهندسی و معماری و اختراعات عالم طب و غیره نمونه های برجسته تکامل تمدن
محسوب گردد ، بالمقابل به ترقی شکفت آور مطبوعات و تکثیر و تعدد بیش از حد جرائد
(۱) دور « رونسانس » یا تجدد ادبیات و علوم را آغاز مدنیت امروزه قرار میدهم .

و مجلات مسلکی و بوجود آمدن روزنامه هائیکه تعداد اشاعت روزانه آن به ۲ میلیون نسخه میرسد و در روز ۲ حتی ۳ نوبت طبع میشود، بدون شك بهترین شاهد پیشرفت روز افزون فن صحافت، یا عبارت دیگر برجسته ترین مظهر پیروی صحیح روزنامه نگاری از مدنیت امروزه بشمار خواهد رفت.

بهر حال ناگفته نماند که روزنامه نگاری هم مانند سایر شعبات مدنیت همه روزه مقابل با تغییرات است که در ظاهر سیر تمدن و در حقیقت تطورات مختلفه بشر ایجاد میکند. از همین جهت است که جریده نگاری يك قرن پیش را با قرن بعد بلکه از ۲۰ سال قبل را با امروز حتی روزنامه نویسی يك سال را با سال دیگر نسبت نمیتوان داد. و اگر مطبوعات این دوره ها با یکدیگر بگویم مورد مقایسه قرار داده شود. بنظر اول انسان تغییرات بزرگی را در مادیات و معنویات یا بهتر بگوئیم در ظاهر و باطن و شکل و مضمون آن مشاهده خواهد کرد. نظیر این فن صحافت در هر نقطه نا اندازه تابع مقتضیات محیط نیز میباشد و هر مملکت نظریات جداگانه را از لحاظ سیاست و آداب معاشرت و درجه تمدن خود در جریده نگاری تعقیب مینماید.

از اینجا است که فن صحافت با روزنامه نگاری يك امری مشکل گردیده و هر کس به پیشبرد آن موفق شده نمیتواند از یک طرف فرا گرفتن تعلیمات مخصوصه و مطالعات وسیعه و از طرف دیگر بلدیت و کار کردن عملی را درین رشته و بالاخره مد نظر گرفتن نکات مخصوصه را ایجاد مینماید و در صورت هم يك روزنامه نگار صحیح و حقیقی شدن، استعداد مخصوصی لازم دارد که در هر کسی سراغ نمیتوان نمود.

چون جرائد و تمام مطبوعات در حقیقت (بمانند سابق) برای مطلع ساختن

عامه از وقایع مختلفه جهان و تطورات مخصوصه شعب متعدده مدنیت و اجتماع ، از قبیل ترقیات علوم و فنون و غیره اطلاعات مفیده و در عین حال جهت جای دادن افکار و نظریات مفیده مخصوصه (مسلکی یا سیاسی اجتماعی باشد) در اذهان آنهاست ، بنابراین اولین چیز بکه برای يك روز نامه نگار لازم است اینست که از حیات و استعداد ذهنی و اخلاقی و تمدنی توده که برای آنها چیز نوشتن می خواهد مطلع بوده و همواره در صد تعقیب تطورات و تغییراتی باشد که دائماً در افکار و خیالات آن بموجب اقتضات زمانه ، وارد میشود . تا آنچه را می نویسد و از آن استفاده فکری توده مزبور یا نفوذ و قیام آن را در اذهان مردم ، منظور نظر دارد ، به در برود ، زیرا در صورتیکه گفته ها و معلومات او دور یا بالاتر از روح حیات و استعداد ذهنی و اخلاقی و تمدنی توده مذکور باشد نه آنها از آن استفاده خواهند گرفت و نه چیزی از آن در ضمیر و فکر ایشان جایگیر خواهد گردید بلکه به اصطلاح از يك گوش درآمده از گوش دیگر خارج خواهد شد بلکه برخلاف طبایع آنها را از مطالعه خود منزجر و برای آبنده ، کاملاً بیگانه و بیخبر خواهد ساخت . *برای اطلاع از این سیمین بلغم میبایند .* جریده نگاران به جلو گیری از آن سعی میکنند .

دومین چیز بکه برای يك روز نامه نویس لازم است ، سلاست در مضامین و حسن تألیف عبارات که تأثیر آن را هیچکس انکار کرده نمیتواند . در واقع ، اگر جریده نگاری همیشه مطالب و نظریات را نشر میدهد باید دارای این صفت بوده باشد .

آنچه بدرجه دوم برای جریده نگار لزوم دارد مد نظر گرفتن ذوق عامه

و طرز تخیل مردمانیست که در بین ایشان روزنامه اش نشر میشود زیرا: روزنامه یا مجله که باید همواره پیروی ذوق و درجه فکری عوام را داشته و در انظار همه دلچسپ واقع گردد، در صورت دوری و مابینت داشتن از آن، در نوده مزبور هیچ قسم دلچسپی تولید نکرده، مهمترین منظور چیز نویسی و روزنامه نگاری که عبارت از علاقه مندی خوانندگان است، فوت میشود بنا بر آن نویسنده و صاحب روزنامه را لازم است که در انتخاب موضوعات خیلی توجه نموده آنچه را در اختیار خود داخل سازد که کاملاً مطابق ذوق عامه بوده، با تطبیق شدن های خود در حیات و افکار همه مردمان اسباب جلب توجه آنها را فراهم آورد ازینجا است که روزنامه های امروزه عموماً بدرجه انتهایی پیروی ذوق عموم را نموده و برای جلب خاطر و قلوب خوانندگان و سائل متنوعی را بکار میبرند. باقی از مطالب اساسی که برای روزنامه نگار اهمیت زیاد دارد اسلوب ساده عام فهم است در تمامی موارد و در جمیع مباحث، بطوریکه همیشه ذهن طبقه متوسط نه بلکه فکر کثیر را مدنظر داشته باشد که فقط سواد خواندن و نوشتن را دارند و دیگر از معلومات عصری و علوم و فنون و اصطلاحات نازه کاملاً بی بهره میباشند.

نانوشته جات و نشریات او در هر جا و در نزد عموم طبقات باحسن قبول و دلچسپی تلقی شود والا اگر مطالب را با اسلوب بلند یا غیر مانوس انشا و لغات و اصطلاحات علمی و فنی و محاوره جدید و بی سابقه را استعمال میکرد، روزنامه او بهیچوجه توجه عامه را بسوی خود جلب کرده نخواهد توانست و هدف مقصود که عبارت از عمومیت و محبوبیت یافتن آنست در بین تمامی مردمان، از دست خواهد رفت.

همین سبب است که امروز کلیه روزنامه ها و مجلات معتبر حقیر را زهر مسلك
 که باشد به ساده ترین اسلوبی نشر می یابد بقسمیکه زبان روزنامه کاملاً يك زبان
 علیحده عامیانه شده است . پس روزنامه نویسن باید درین قسمت توجه زیادی
 مبذول داشته ، عموم مطالب را بیک شیوه سلیس و عام فهم و مرغوبی در آورد
 که خوانندگان به آن انس و عادات دارند و اگر از آوردن لغات و اصطلاحات
 علمی و فنی و غیره مطالب بیگانه ناگزیر باشد ، در موقعش بشرح آن پرداخته و هرگاه
 فهمیدن حقیقت یا فهماندن آنها برای خودش هم اشکال میداشت ، با ناممکن میبود بهتر است
 از آن صرف نظر کند و تا وقتی که معلومات خود او کامل نباشد ، به نشر آن نپردازد .

يك رنگی و يك آهنگی مضامین نیز از مطالبی است که باید از نظر روزنامه
 نگار نماند ، زیرا هر گاه در مقالات و مضامین مختلفه يك روزنامه يك دستی
 و بیکانگی اسلوب و نگارش موجود نمیشود ، علاوه بر آنکه برای خواننده دلچسپ
 واقع نمیشود ، عدم مهارت یا نقص کنترل (مواظبت و تفتیش) صاحب روزنامه
 را نشان میدهد پس باید آهنگ و روش يك روزنامه با مجله همواره بیک سان بوده ،
 مطالب و مباحث مختلفه همگان شیوه در آوردن و در هم آمیختن است در باب اصطلاحات
 علمی و اسمای جغرافیائی و غیره لغات بیگانه که رواج یافته باید همه آنها دائم
 از طرف روزنامه نگار بیک شکل و تلفظ بمطالعه قارئین رسانیده شود نه به
 اشکال و آهنگ های مختلف که اسباب اشتباهات زیادی را فراهم میسازد و هم بی
 دقتی نگارنده را نشان میدهد .

مهمترین مطالبیکه يك روزنامه نویسن از مد نظر گرفتن و مراعات آنها ناگزیر
 است بهر ارفوق شرح داده شد ، حال می آئیم به مطالب جزئیتری که فن روزنامه
 نگاری عصری به آن استوار است و در داخل چند ماده ذیل خلاصه می شود .

۱) سعی در کوتاهی مضامین و اختصار مطالب بطور مرغوب که دماغ خواننده را خسته نسازد خصوصاً در مسائل علمی و مسایکی که اسلاً خشک و خسته کی آوراست ، مراعات این مسئله ضرور میباشد . و همین مسئله در شهرت و محبوبیت يك روزنامه تأثیر دارد .

۲) دلچسپی مضامین است بقسمیکه خاطر عموم اشخاص را به خواندن متماثل سازد و هر چند بحث علمی و غیر مانوس باشد ، به اسلوب بسیار شیرین و دلچسپ انشا شود . چنانچه امر روزیکی از مطالب مهمیکه در جرائد دنیا همیشه مراعات آن را مینمایند همین اسلوب هنر آمیز است که در هر قسم مضامین بکار می برند و روزنامه نگاران تمامی مباحث سیاسی ، اجتماعی حتی علمی را به همین شیوه نشر می دهند و بسی اسباب علاقه مندی و جذب خاطر خوانندگان میگردد .

۳) تنوع و رنگینی مضامین که باید حتی الوسع روزنامه نگار به آن عطف توجه نماید و در يك طرف مضامین رنگین و فشننگ را که حاکی از عجایب طبیعت - خصوصیات و جزئیات اخلاقی ملل و افراد و باکار نامه های رجال بزرگ و نوابغ و غیره باشد انتخاب و از طرف دیگر در تنوع آنها سعی بعمل بیاورد تا علاوه بر تولید دلچسپی مورد قبول و توجه طیفان مختلفه باشد .

۴) تکثر مضامین میباشد که برای روزنامه نگار زحمت زیاد دارد اما بهمان اندازه اسباب علاقه مندی خوانندگان و حسن قبول عموم را فراهم میسازد . روزنامه یا مجله اگر چه مسلکی یعنی باحث از يك شعبه مخصوص مثل اقتصاد ، حفظ الصحه ، ادبیات ، تاریخ ، امور عسکری و غیره باشد ، باید حاوی مضامین و مقالات کوتاه ولی متعدد بوده بقرار ماده (۳) مضامین آن در داخل همان مسلك تنوع و رنگینی داشته باشد .

۵) انتخاب عناوین است به این معنی که عنوان باید خلاصه جامع تمام آن مضمونی باشد که زیر آن داخل میگردد نه اینکه يك قسمت از آن را افاده کرده یا خواننده را به اشتباه بیندازد، یا از مطلب خیلی دور ببرد. در عین حال باید سعی بشود که عنوان بسیار دلچسپ و جالب نظر باشد (نه از روی درستی بلکه از لحاظ معنی) زیرا در صورتیکه عنوان مفاد مضمون را خاطر نشان نکند یا دور از مطلب و یا خشن و بد آهنگ و طویل یا دارای معنی ثقیل باشد، در نظر اول به خواننده خوش نیامده و اگر هم به مطالعه بپردازد پس از خواندن طبعش مکدر و مزجر میگردد و انگهی چون قیمت وقت روز بروز به انسان معلوم و زیاده تر شده می رود، عنوان باید طوری باشد که اشخاص از خواندن آن خلاصه مطلب را درک کرده اگر وقت شان تنگ باشد و یا به آن دلچسپی ندارند از دیدن آن روح مطلب را فهمیده و به اینقسم استفاده نموده بتوانند و یا از اشتباه بر کنار بوده از آن بگذرند.

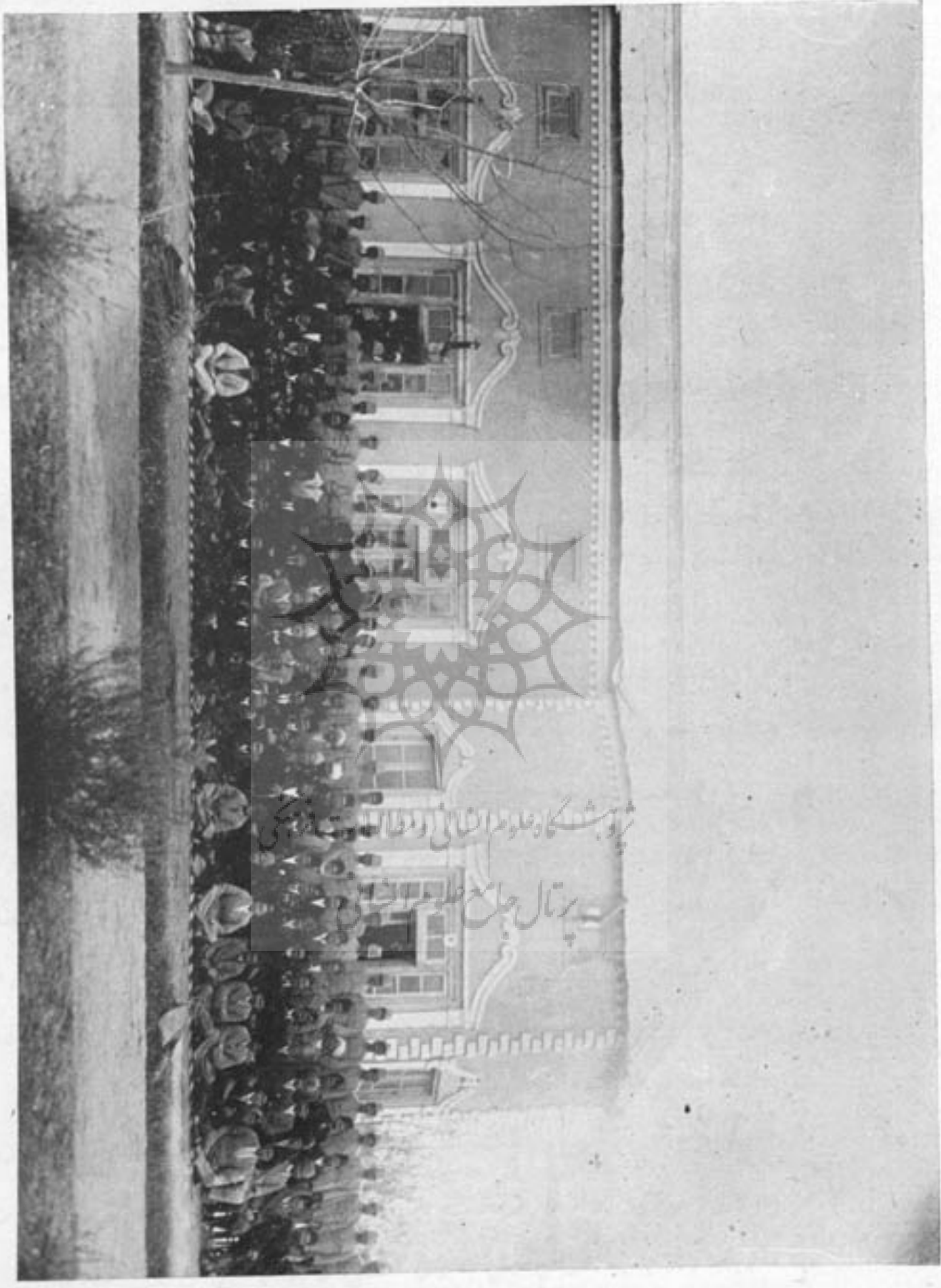
۶) حسن سلیقه است که بهلوی هر پنج فقره فوق، آن نیز باید مراعات بشود یعنی روزنامه نگار در فن صحافت دسترس کامل داشته تطورات روزمره آن را تعقیب و در موقعی که بجز اینده خود داخل سازد. مثل ترتیب مضامین که مطالب و تصاویر از روی تناسب در آن جا داده شود و گذاشتن کلیدها های قشنگ و معنی دار و تصاویر دلچسپ و اعلانات مصور مختلف و خوبی قطع و حجم رنگ و کاغذ جریده یا مجله مطابق مسلك یا موقعیت آن :

۷) موقع شناسی : است که باید جریده نگار نا اندازه ممکن به آن توجه خود را مبذول داشته هر خبر و هر واقعه و هر قسم معلومات (و در صورت امکان تمام تصاویر) را در موقعش بدون معطلی و در زمانیکه اذهان عامه متوجه



پروہ شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پرویشکار علوم انسانی و نظامی و نظامی
پرتال جامع علوم انسانی

و. ح. عبدالرزاق خان رئیس و وکلا و مستخدمین بلدیہ کابل

و منتظر آن میباشد، بطور صاف و روشن نشر نماید و در ترتیب آنها طوری دقت کند که از آن خواننده بر تیزی فکر و توجه زیاد نگارنده اطمینان حاصل نماید و همین خود بسی اسباب دلچسپی خوانندگان را فراهم میسازد.

۸) تازه گی نگارشات : است به این معنی که باید تمام مضامین و مباحث و اشکال و تصاویر جریده تازه و بکر و مطابق اوضاع وقت بوده، عموماً در آنها خیالات حتی اصطلاحات و لغات و ترکیبات عصری استعمال گردد و از استعمال بحث ها و نظریات و تخیلات و مصطلحات و بالاخره جملات کهنه و پیدش یا افتاده اجتناب ورزیده شود. تازه گی های مادی و معنوی يك روزنامه در اهمیت و حسن قبول آن تاثیر کلي دارد و باید طرف توجه مخصوص روزنامه نگار باشد.

۹) متانت است که باید روزنامه نگار در نگارشات و نشریات خود همیشه مراعات آن را نموده، از تبدیل های فوری اسلوب و اصول و شکل روزنامه، جریده یا مجله اجتناب ورزد. زیرا در انصورت علاوه بر سبک معلوم شدن آن، نگارنده نیز در نظر ها مردم تخیل و پرده پند و پندار و پندار است اعتماد عامه از نگار شاتش کاسته میشود. اما ملتفت باید بود که سنگینی و متانت يك اخبار مستلزم این نیست که مضامین ثقیل و آهنگ های وزین و مطالب بسیار جدی را استعمال و با بيك شکل و ترتیب و احداً گر چه مطابق اقتضای زمان نباشد، همواره قائم بماند زیرا این کار مخالف سفارشات فوق مثل روانی مضمون و مراعات ذوق عامه و بکار بردن شیوه دلچسپ و بالاخره رنگینی و تازه گی محتویات نشریات، میباشد، بلکه شیوه هزل آمیز و بحث های ساده و خصوصیات حیثانی بهیچوجه منافی متانت يك جریده یا مجله نمیشود و فقط متانت روح مطالب و شکل ظاهری آن اهمیت دارد.